

## ارایه فساد به جای هنر در جشن شیراز

۱۷ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۲۰

واکنش مردم عادی شیراز که ضمن گردش در خیابان یا خرید از مغازه‌ها با چنین صحنه مسخره و تنفرانگیزی روبرو می‌شدند، معلوم است، ولی موضوع به شیراز محدود نشد و طوفان اعتراضی که علیه این نمایش برخاست به مطبوعات و تلویزیون هم رسید.

در شهریور ۱۳۵۶ و مصادف با ماه مبارک رمضان و آگوست ۱۹۷۷ میلادی، شهر شیراز یک هفته شاهد نمایش‌ها و صحنه‌های وقیحی بود که حکومت شاه از آن به عنوان «جشن هنر» یاد کرده و هزینه‌های سنگینی را صرف اجرای آن نمود. هدف از برگزاری این جشن که همه ساله برای اجرای مجدد آن سعی و کوشش به عمل آمد، استحاله فرهنگی اسلامی مردم و باز کردن راه نفوذ فرهنگ غرب به داخل کشور بود.

کسانی که به عنوان هنرمند از آمریکا و کشورهای اروپایی برای شرکت در جشن هنر شیراز به ایران دعوت شده بودند، شامل رقاصه‌ها، فاحشه‌ها، موسیقی‌دانان، خوانندگان و بازیگران فیلم‌های غیراخلاقی سینماهای غربی بودند.



آنتونی پارسونز آخرین سفیر انگلستان در ایران قبل از انقلاب، درباره جشن هنر شیراز چنین می‌گوید: ... فستیوال بین‌المللی هنری شیراز (جشن هنر شیراز) که سالانه برگزار می‌شد از آغاز به علت نوآوری‌ها و نمایش‌هایی که با روحیات جامعه سنتی و اسلامی ایران تطبیق نمی‌کرد موجب تضادها و مباحثاتی شده بود. از جمله نمایشات مسخره‌ای که من از این جشن بیاد دارم صحنه‌ای از نمایش رقاصان برزیلی بود که در حین رقص سر مرغ‌های زنده را با دندان جدا می‌کردند، یا نمایشی از هیجان و از خود بیخود شدن مردم در حال عزاداری که بی‌شبهت به مراسم تعزیه نبود و نشان دادن آن در یک کشور مسلمان به هیچ‌وجه تناسبی نداشت. جشن هنر شیراز در سال ۱۹۷۷ از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان از جشن‌های پیشین فراتر رفته بود. به طور مثال یک شاهد عینی، صحنه‌هایی از نمایشی را که موضوع آن آثار شوم اشغال بیگانه بود برای من تعریف کرد. گروه تئاتری که این نمایش را ترتیب داده بودند یک باب مغازه را در یکی از خیابان‌های پر رفت و آمد شیراز اجاره کرده و ظاهراً می‌خواستند برنامه خود را به طور کاملاً طبیعی در کنار خیابان اجرا کنند. صحنه نمایش نیمی در داخل مغازه و نیمی در پیاده‌رو مقابل آن بود. یکی از صحنه‌ها که در پیاده‌رو اجرا می‌شد تجاوز به عنف بود که به طور کامل (نه به طور نمایشی و وانمودسازی) به وسیله یک مرد (کاملاً عریان یا بدون شلوار - درست به خاطر ندارم) با یک زن که پیراهنش به وسیله مرد

متجاوز چاک داده می‌شد در مقابل چشم همه صورت می‌گرفت. صحنه مسخره دیگر پایان نمایش هم این بود که یکی از هنرپیشگان اصلی نمایش باز هم در پیاده‌رو شلوار خود را کنده هفت تیری در پشت خود می‌گذاشت و به این ترتیب تظاهر به انتحار می‌کرد. واکنش مردم عادی شیراز که ضمن گردش در خیابان یا خرید از مغازه‌ها با چنین صحنه مسخره و تنفرانگیزی روبرو می‌شدند، معلوم است، ولی موضوع به شیراز محدود نشد و طوفان اعتراضی که علیه این نمایش برخاست به مطبوعات و تلویزیون هم رسید. من به خاطر دارم که این موضوع را با شاه در میان گذاشتم و به او گفتم اگر چنین نمایشی به طور مثال در شهر «وینچستر» انگلیس اجرا می‌شد کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم بدر نمی‌بردند. شاه مدتی خندید و چیزی نگفت. بازتاب سیاسی چنین واقعه‌ای در هر زمان بد بود، چه برسد به شرایط آن روز ایران که در کنار هیجانات سیاسی نشانه‌هایی از اوج گرفتن احساسات مذهبی مردم و گرایش به سنن مذهبی در سراسر کشور به چشم می‌خورد... (۱) ... اثر سیاسی برنامه‌هایی نظیر جشن هنر شیراز خیلی شدید بود و بسیاری از برنامه‌های این جشن که بی‌جهت به هنرهای رادیکال و نو اختصاص یافته بود به هیچ‌وجه با مقتضیات جامعه ایرانی تطبیق نمی‌کرد. چرا می‌بایست این قدر پول صرف تبلیغ و ترویج هنرهای اروپایی و جمع‌آوری مجموعه‌های هنری اروپا گردد و چنان مراکز فرهنگی و هنری بزرگی، خارج از ظرفیت اداره آن از طرف ایرانیان تأسیس شود... (۲) ویلیام شوکراس روزنامه‌نگار و نویسنده انگلیسی نیز درباره تأثیر جشن هنر شیراز می‌نویسد: ... ملکه ریاست جشن هنر شیراز را بر عهده داشت. در اواسط سال های ۷۰ جشن مزبور یکی از پرچم‌های فرهنگ‌های کشور به شمار می‌رفت... جنجال‌های جشن هنر وقتی به اوج خود رسید که در سال ۱۹۷۷ یک گروه هنرپیشه دکانی را در یکی از خیابان‌های اصلی شیراز در نزدیکی مسجد گرفت و در درون دکان و در پیاده‌روی جلو آن نمایشی اجرا کرد که شامل یک هتک ناموس تمام عیار و اعمال شهوت‌انگیز بین هنرپیشگان زن و مرد بود. چنین نمایشی در خیابان‌های هر شهرک انگلیسی یا آمریکایی جنجال بپا می‌کرد (و منجر به بازداشت هنرپیشگان می‌شد). وقتی نمایش مزبور در شیراز اجرا شد، خشم و آزرده‌گی فراوانی برانگیخت... بعدها در تبعید، فرح از جشن هنر دفاع کرد و اظهار داشت این جشن، هنر اصیل و سنتی تمام نقاط جهان را به ایران آورد! او که از جزئیات نمایش‌ها بی‌اطلاع بوده و یکی دو نمایش توهین‌آمیز در آن یافته بوده می‌گوید: «در هر جشنواره‌ای مشکل می‌توان مانع از بیان آزاد هنرمندان شد و انتظار داشت مورد پسند گروه‌های مختلف اجتماعی قرار بگیرد... (۳) پی‌نوشت‌ها: ۱- غرور و سقوط، خاطرات سفیر سابق انگلیس در ایران، صص ۹۰ تا ۹۲- همان، صص ۵۱ و ۵۲- آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، صص ۱۱۵.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۷۵۷/شیراز-جشن-هنر-جای-فساد-ارایه/>